

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## شرحی بر دعای خمس عشر

محقق: فاطمه پور شفیق

تابستان ۹۵

تقدیم به روح مظهر معصومین علیه السلام

## مقدمه:

از بزرگترین نعمتهای خداوند بر بنده اش در خواست است ، تقاضا است ، خواستن است پس بنده وقتی از خداوند چیزی بخواهد، علل و اسباب رسیدن به این در خواست را باید آماده کرده باشد؛ که آن خود شناسی و خداشناسی است.

اعمال صالح ، ایمان ، تقوی ، درجاتی در دنیا دارند که لیاقت را برای انسان رقم می زند و این صفات گزینه های خوبی هستند برای رسیدن به مطلوب که آنهم درخواست از خداوند است؛ ولی گاهی گناه ضعف اعتقادی را بوجود می آورد و براین اساس لیاقت وجودی کم شده و استجابیت دعا را طولانی می کند. هرچه استجابیت دعا طولانی شود و انسان به جواب در خواست خود نرسد تخفیف در گناهان حاصل می گردد که بزرگترین نعمت است؛ در این حین نتیجتاً انسان بخود می آید و متوجه اعمال خود می گردد و وزنه اعمال خود را می سنجید. آنچه مسلم است تکامل بشریت در کشف فلسفه آفرینش و پیاده کردن پیام دین در زندگی است.

امام صادق(ع) در تبیین جنود عقل و جهل می فرماید: " والدّعا ضدّه الاستنکاف" دعا و ضد آن خود داری است(کافی ج ۱ ص ۲۳ ح ۱۴)

دعا از جنود عقل است، عقل انسان را نیازمند مطلق می بیند و لذا او را به عبودیت کمال مطلق دعوت می نماید تا با عبادت و پرستش الهی به عنایت و رحمت الهی برسد، از این رو پیشوایان دین به دلیل بالاترین مراتب عقل و معرفت پیش از دیگران خود را نیازمند به خدا می دانستند پس به دعا اهتمام داشتند که دعای خمس عشر از آن جمله است، که در ابتداء حس عبودیت فرد نسبت به آفریدگار شکل گرفته و بتدریج رشد می یابد تا در مرحله زهد بهره گیری از رحمتهای الهی را به اوج خود برساند. در باره این دعا باید گفت: دعای خمس عشر پله مبارزاتی نفسانی در برابر قوای شهویه و بهیمی و غضبیه است که مسمای آن جهاد با نفس که همان جهاد مرکب است. دعای خمس عشر سیر آفاقی و انفسی بشر بسوی قرب الهی است.

دعای خمس عشر ، پانزده مناجات عرفانی ، اخلاقی ، رفتاری و گفتاری و آموزشی در جهت ارتقاء بشریت از امام سجاد (ع) است :

سند مناجات خمس عشر در کتابهای الصحيفة الثانية السجادية، بحار الانوار و مفاتيح الجنان آمده است. علامه مجلسی می گوید: «این مناجات را در برخی از کتابهای اصحاب دیدم که از امام سجاد (ع) روایت کرده اند»؛ در حالی که ایشان نامی از آن کتابها نبرده و سند روایت را هم نقل نکرده است. شیخ حرّ عاملی نیز در «الصحيفة الثانية السجادية» این مناجات پانزده گانه را از دعاهای سجادیه دانسته و بدون هیچ

تردیدی به امام سجاد (ع) نسبت داده است. روایت مناجات خمس عشر **مرسل** است، و مطالب و مفاهیم موجود در این مناجات‌ها با اصول و آموزه‌های **قرآنی** و دعا‌های مأثور دیگر موافق است.

**محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی**، (۱۰۰۳-۱۰۷۰ق) مشهور به **مجلسی اول**، پدر **علامه مجلسی** و از علمای **شیعه** در قرن یازدهم قمری. از وی آثاری چون **روضه المتقین** و **لوامع صاحبقرانی** برجای مانده است، مجلسی در اصفهان و **نجف** تحصیل کرد، وی در **مسجد جامع اصفهان** به تدریس علوم دینی مشغول بود و پس از استادانش **شیخ بهائی** و **میر داماد**، در این مسجد **نماز جمعه** اقامه می‌کرد.

محمد تقی مجلسی پدر علامه مجلسی - می‌گوید: «شایسته است که سالک الی الله مداومت بر خواندن مناجات خمس عشر داشته باشد» بعضی از شاگردان **سید علی طباطبایی** صاحب **ریاض** از قول وی نقل می‌کردند که ایشان دائما می‌گفت: من چندین سال است که بر قرائت این مناجات مداومت دارم و بر اثر قرائت این مناجات‌ها، خداوند بر قلب من انوار حکمت، معرفت و محبت را تابانده است به صورتی که قابل شمارش نیست و من این مناجات‌ها را در استجاب دعا تجربه نموده‌ام، و سالکان و عبادت کنندگان بر قرائت این مناجات مداومت می‌کنند. جالب اینکه این دعا از جمعه شروع می‌شود به ترتیب تا پانزده روز طول می‌کشد و در جمعه پانزدهم پایان می‌یابد. پس به امید خداوند در معنا دعای خمس عشر وارد می‌شویم:

- ۱- مناجات التائبین : آموزش توبه برای حفظ عزت در دنیا
- ۲- مناجات الشاکین: آموزش رفع شبهات و شکایت از نفس اماره که راه توبه را بر انسان بسته.
- ۳- مناجات الخائفین : آموزش خوف از خداوند از بحرانه‌های رذائل عقیدتی و اخلاقی
- ۴- مناجات الراجین : آموزش امید در برابر خوف الهی، امیدی که پناهش جز خدا کسی دیگر نیست. امیدی که اگر هست باید با خوف همراه باشد.
- ۵- مناجات الراجین: آموزش رغبت به دین و بی رغبتی به دنیا. که رغبت به دنیا جزء عصیان و طغیان چیزی برای بشر به ارمان نمی‌آورد.
- ۶- مناجات الشاکرین: آموزش شکر گذاری از خداوند سبحان.
- ۷- مناجات المطیعین: آموزش طاعت بندگی از نیت تا عمل.
- ۸- مناجات المریدین: آموزش واقعی مرید و مراد که بیراه رفتن ، هلاکت ابدی دارد.
- ۹- مناجات المحبین: آموزش بندگی خالصانه در برابر خداوند.
- ۱۰- مناجات المتوسلین : شناخت اسباب - وسیله قرب "کتاب الله و عترت" برای دوری از انحرافات
- ۱۱- مناجات المفتقرین : دواء و درمان و آموزش برای کسانی که نیاز روحی و جسمی دارند ولی نمی‌دانند.

۱۲- مناجات العارفين : آموزش و پاسخ به شبهات و مبارزه با عرفانهای کاذب نه زهد تنها.

۱۳- مناجات الذاكرين: آموزش ذکر و مفهوم آن.

۱۴- مناجات المعتصمين: آموزش سوار شدن بر کشتی نجات با ریسمان الهی

۱۵- مناجات الزاهدين: آموزش زهد و دوری از رهاییت .

## فهرست مطالب مناجات پانزدهم:

- ارزش زهد
- ریشه یابی دنیا
- امام و تعریف دنیا
- قاتلان پیامبران زنا زاده اند
- دنیا و رابطه آن با رحمت و فیض الهی

# الخامسة عشر: «مُنَاجَاتُ الزَّاهِدِينَ»



پانزدهم: مناجات پارسایان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إلهی اَسْكَنْتَنَا دَاراً حَفَرَتْ لَنَا حُفَرَ مَكْرِهًا، وَعَلَّقَتْنا بِأَيْدِي الْمَنَایَا

خدایا ما را در خانه‌ای جا داده‌ای که سر راه ما گودالهای نیرنگ را کنده و در دامهای  
فریب خود ما را

فِي حَبَائِلِ عَذْرَهَا،

به چنگالهای مرگ آویخته

شرح این فراز:

ارزش زهد:

زهد کیمیاترین چیزها و ارزشمندترین چیزی که آدمی باید آنرا بشناسد. زهد بریدن از دنیا نیست. زهد وابسته بودن بدنیا نیست. زهد خوی پرهیزگاران است. زهد ثروتی است که پاداشش در آخرت زیور سازهرمؤمن است. زهد کنار گذاشتن زرق و برق دنیا بدون انحراف از سنت پیامبر(ص) است. زهد دوری از حرام است. زهد اصل تقوی است. زهد ریشه دینی دارد در واقع میوه دین است که حاصلش شکل گیری فروتنی در انسان می باشد. تمام زهد در قرآن در دو جمله خلاصه می شود: لکیلا تأسوا علی

ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم" (۲۳/حدید) خداوند می فرماید : برای آنچه از دستتان می رود اندوهگین نشوید و به آنچه دستتان می آید شادمانی نکنید.

خداشناسی و طریق رسیدن به آن با تصور امکان ندارد و با تصدیق و یقین کامل شکل می گیرد.

در خداشناسی سوالات بسیاری نهفته است وقتی جوابی نیافتید توقف کنید وگرنه شیطان تزئین دهنده افکار به سوی انحرافات فکری می باشد.

آیا هر بدی و شرّی از جانب خداست؟ انسانی که دچار مکر و حيله می گردد و خود را در چاههای فریب فرو می برد آیا باید نهادینه شدن این خصلتها را از خدا بداند؟ آیا انسان نباید بیاندیشد که اگر چاه مکر و حيله را برای خود و دیگران حفر کرده بدست خودش بنا شده است؟ آیا نباید این انسان ماده و ضعیف بداند که این رشته های خدعه و فریب ریشه در آرزوهای بلند ویا شاید از خصلت ناشایست حسادت سرچشمه گرفته باشد؟

زاهد تلاش دارد که نسبت به دنیا بی رغبت باشد ولی از عطر معنوی دنیا در جهت رسیدن به کمال انسانی استفاده نماید . او همواره می کوشد که جهاد با نفس را فراموش نکند و خردمندانه بر نفس خویش فائق آید وواجبات و مستحباترا انجام دهد و حلال الهی را از ترس حساب آن و حرام دنیایی را از ترس عقاب و کیفر آن ترک نماید.و از آنچه بدان علم ندارد پیروی نمی کند و پیوسته مراقب گوش و چشم و درون و نیتهای خود هست و خود را در برابر اعضاء و جوارح مسئول می داند.

" ولا تقف ما لیس لك به علم انّ السّمع و البصر و الفؤاد کُلّ اولئک کان عنه مسؤلًا". زاهد در کسب صفات پسندیده ،" (اسراء۳۶) یقین و توکل و قناعت و صبر و شکر و بردباری و خوش خلقی و سخاوت و غیرت و شجاعت" همواره تلاش می کند و در طلب زیادتی آن سجده گاهش درحسرت به سوز دل اشکباران می شود.زاهد به تمام امور و جریانات موجود در طبیعت بشری واقف است ودر گنج تنهایی اوقات را نمی گذراند و با مردم درراه خلق جامعه ای باسعادت و بدور از فتنه ها،با وقار و بردباری همراه است.هنگام بلا شکیبایی می ورزد . صبر و شکر بر نعمتهای داده و نداده الهی را فراموش نمی کند . آرزوهای طولانی ندارد . تواضع و خشوع شیوه عبرتی زاهد در زندگی است پس در دنیا هست ولی از محرکات آن دست می کشد و چشم پوشی می کند . پس بالا می رود و شیرینی دوستی خداوند متعالی را در ک می کند و به غیر خداوند مشغول نمی شود.

امام صادق(ع) می فرماید: "خداوند فهم حقیقت را در قلب او پابر جا می کند و زیانش را به گفتن سخنان حکیمانه گویا می کند و درد و دواى عیبهای دنیا را به او می نمایاند و او را سالم و بدون نقص از دنیا به سوی بهشت که سرای سلامت است بیرون می برد."(شیخ حر عاملی- جهاد با نفس)

## فَالَيْكَ نَلْتَجِيءُ مِنْ مَكَائِدِ خُدَعِهَا، وَبِكَ نَعْتَصِمُ

پس به سوی تو پناه آوریم از دامهای فریبش و به تو نگهداری جوئیم

### مِنَ الْأَغْتِرَارِ بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا،

از مغرور شدن به زر و زیور آراسته‌اش

شرح این فراز:

خدایا به تو پناه می‌بریم و به ریسمان تو چنگ می‌زنیم از غرور حاصله از کسب زینت‌های دنیایی و وابستگی به دنیا و عشق به دنیا که همه از قوای شهویه سرچشمه می‌گیرد. کسی که از خواهشهای دنیایی خود کوتاه نیاید و دنیا را مزرعه آخرت نداند هیچگاه صاحب زهد نخواهد شد. چون زاهد باید به عالیترین مرتبه یقین برسد و در پی آن پرهیزگار باشد. انسانی که به دنیا و زیباییهای آن پشت کند (پشت کردن به دنیا برای کسی است که ارزش آخرت را بداند) و آرزوهایش را نادیده بگیرد در جنگ مبارزه با نفس اماره پیروز خواهد شد و به مطلوب خود خواهد رسید. این مرحله بسیار ارزشمند است و خداوند او را دانشی عطا می‌کند بی‌آنکه از کسی فرا گیرد و هدایتش فرماید.

پیامبر (ص) فرمودند: ای اباذر! هر گاه دیدی برادرت به دنیا پشت کرده است. به سخنان او گوش کن زیرا که او حکمت تعلیم می‌دهد (البحار ۱/۸۰/۷۷ - ۱۵۵/۶۳/۷۸) اصحاب رسول خدا به ایشان عرض کردند: ای رسول خدا! از نفاق برخود می‌ترسم! حضرت فرمودند: چرا از آن می‌ترسید؟ عرض کردند: ما تا در محضر شما هستیم و ما را موعظه می‌فرمایید ترس دلمان را فرا می‌گیرد و دنیا را فراموش می‌کنیم و به آن بی‌ رغبت می‌شویم گویی که آخرت و بهشت و دوزخ را با چشم می‌بینیم. اما همین که به خانه‌های خود می‌رویم و فرزندانمان را می‌بوسیم و زن و بچه و ثروت را می‌بینیم از آن حال و وضعی که در خدمت شما داشتیم تقریباً بر می‌گردیم بطوریکه گویی اصلاً آن حالت را نداشته‌ایم؟ آیا بیم نفاق بر ما دارید؟ حضرت فرمودند: هرگز؛ این از گمراهی است که شیطان برمی‌دارد تا شما را به دنیا راغب سازد بخدا قسم اگر به همان حالی که در حضور من به شما دست می‌دهد در خانه‌هایتان نیز ادامه می‌دادید، فرشتگان با شما دست می‌دادند و بر روی آب راه می‌رفتید. (البحار ۲/۱۰۴/۱۰۲ - ۱۱۰/۱۲۲/۷۳)

حواریون حضرت مسیح (ع) به آن بزرگوار عرض کردند: چرا تو بر روی آب راه می‌روی و ما نمی‌توانیم؟ حضرت فرمود به نظر شما در هم و دینار چگونه است؟ عرض کردند: ارزشمند است. مسیح (ع) فرمود: اما در نظر من ارزش آنها با گل یکسان است. (تنبیه الخواطر ۱۴۶) (الیقین باب ۴۲۶)



## ریشه یابی دنیا:

دنیا که مؤنث "ادنی" یا از ماده "دنی" دناءت " به معنای پست تر است در یک معنا مقابل نشأة آخرت قرار دارد و در معنای دیگر وابستگی ها را در تعلقات انسانی، لهو و لعب ، تفاخر، و تکاثر به اولاد و اموال خلاصه می کند. دنیا می تواند در مرحله مذموم یا ممدوح باشد. دنیا اگر در گیر اوهام و خیالات ، برتری طلبی ، افتخار به ثروت، مقام، لقب ، و تفاخر شود مذموم است و این همان دنیایی است که امام در نهج البلاغه آنرا سه طلاقه کرده است ، زیرا اوست که باطن دنیا را می بیند، پس به حیات طیب و معرفت دینی عشق می ورزد ، زیرا حیات طیب عالمی است که ویژگیهای دنیای ممدوح را برای انسان رقم می زند. حیات طیب انسانهای مؤمن را در آغوش می گیرد و با اولیای الهی محشورشان می سازد. این چنین انسانی با آنکه در بین مردم عادی زندگی می کنند ولی با آنان نیستند. در حیات طیب مؤمنان نه تنها ، غم، ترس، اضطراب، حرص ، حسد ، کینه، عداوت، و جهل و گمراهی را ندارند بلکه وجودشان سرشار از معرفت و علم و دانش و حکمت است. شناخت دنیای ممدوح همان است که انسان را در مرحله حیات طیب قرار می دهد. و شناخت دنیای مذموم همان است که انسان را در مرحله حیات خبیثه وارد می سازد. و انسان متفکر و با بصیرت با انتخاب راه صحیح و شناخت ارزشها و درک آزمونهای الهی در امور خیر و شر می توان سعادت دنیا و آخرت را کسب نماید. همچنانکه خداوند تعالی می فرماید : "بلوناهم بالحسنات و السیئات لعلهم یرجعون" (اعراف ۱۶۸) و بدین سبب می تواند مراحل رسیدن به زهد مطلق را بیابد و با حکمتهای آن آشنا شود و سیر الی الله را طی نماید.

### فَاتَهَا الْمُهْلِكَةُ طُلَابَهَا، الْمُتْلِفَةُ حُلَالَهَا،

از مغرور شدن به زر و زیور آراسته اش زیرا که دنیا جویندگانش را به  
هلاکت اندازد و واردین خود را نابود کند

### الْمَحْشُوءَةُ بِالْأَفَاتِ، الْمَشْخُوءَةُ بِالتَّكْبَاتِ،

آکنده است از بلا و زبان و پر است از رنج و سختی

## شرح این فراز:

امام علی(ع) هر چه از دنیا بیش از قوت و نیازت به تو رسد تو خزانه دار آن برای دیگران هستی.  
(بحار ۱۰۱/۲۸۱-۱/۲۳۰/۷۳-۶۱/۹۰)

دنیا هلاک کننده است و از دنیا باید به اندازه ضرورت بر گرفت زیرا دنیا بازاری است که گروهی سود می برند و گروهی زیان شیفگی به دنیا منشاء معصیت و گناه و آفات و فتنه و محتهاست.

امام صادق(ع) فرمودند: نخستین چیزهایی که موجب نا فرمانی و معصیت خدا شد شش چیز بود : دنیا پرستی ، ریاست طلبی ، شکم پرستی ، زن دوستی ، پر خوابی، راحت طلبی(البحار ۱۰۱/۲۳۰/۷۷-۶۱/۳۰-۲۹/۶۰/۷۳)

دنیا سرای ماندن نیست پس نباید به آن دل بست. انسان همواره باید سعی کند بار اندوهای دنیا را از دوش خود بر دارد و در هنگام شادی در دنیا به یاد ترک دنیا بیفتد. ای انسان بدان! دنیا تمام علاقمندان خود را به هلاکت می رساند زیرا شیطان در دنیا غوطه وراست و او همنشین هر دنیاپرستی است. از فریب شیطان در دنیا بپرهیز، مراقب ایمانت باش که به لحظه ای بند است، سعی کن آنچه از دنیا برای آخرت خود می فرستی جز باقیات و صالحات چیز دیگری نباشد و ذهنت را قوی کن چون آنچه بعد از تو ماند از آن وارثان است و آنچه اینک داری جز مایه فریب تو نیست.

محدث کاشانی (ق/س) در وافی به اسناد خود از حضرت صادق (ع) روایت می کند که از آن حضرت راجع به زهد در دنیا سؤال نمودند فرمود: "الذی یتُرک حلالها مخافة حسابه و یتُرک حرامها مخافة عذابه" زاهد کسی است که حلال دنیا را از ترس حسابش و حرام آن را از ترس عقابش ترک می نماید.

## إِلَهِي فَرِّهْدْنَا فِيهَا،

خدایا پس ما را در دنیا پارسا کن

وَسَلِّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ،

و به وسیله توفیق و نگهداری خود ما را از شرورش سالم بدار

شرح این فراز:

خدایا پارسایی صفتی است شایسته! و توفیق تو شامل حال کسانی می شود که دور و بر گناه نمی گردند و صفت فروتنی و زهد و تقوی و پارسایی را از آن خود کرده اند. هرگز نباید لذت و خواهشهای نفسانی زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داد که فرجامی ناگوار خواهد داشت. بعضی مردم برای رسیدن به سود دنیایی آنقدر تلاش می کنند و امور دین را در این معاملات نادیده می گیرند در این بین ناگهان خداوند کاری برای آنان پیش می آورد که زیانش از آن سود بیشتر است. برای مثال بنی امیه ۸۰ سال زندگی کردند و دنیا را بر آخرت برگزیدند و هیچ پیشامد و ناخوشایندی به ظاهر برای آنها رخ نمی داد. آنچه باید گفت: عشق آنان به مقام و ریاست در دنیا و قلدری و زورگویی آنان بر مردم، جوی ایجاد کرد که مردم مسیر و منافع خود را گم کردند، و اگر صدایی بر می خواست آن را در نطفه خفه می کردند باشیوه های متفاوت سیاسی و اقتصادی؛ تا کسی متوجه امور و مشکلات و قضایای آنان نشود. آنچه مسلم است و از روایت پیداست که اگر کسی آخرت را به دنیا بفرود هر دو را از دست می دهد. در این فراز از خداوند متعال می خواهیم که در دنیا با معرفت زندگی کنیم و در این سالم سازی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و دینی از هر گونه معصیت دور بمانیم تا به اهداف بلند و عزت شخصی و اجتماعی و دینی و خلاصه ملی برسیم.

## وَأَنْزَعْنَا عَنْكَ جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ،

### و بیرون آر از بر ما جامه‌های مخالفت و نافرمانیت را

شرح این فراز:

امام علی (ع) می فرماید: شما را چه شده که به اندک چیزی که از دنیا بدست می آورید خوشحال می شوید ولی برای از دست دادن نعمتهای آخرت ناراحت نمی شوید. (امالی طوسی ۱۳۶۵/۲۲۵)

ما برای رسیدن به زهد و تقوی الهی باید جامه مخالفت را از تن برکنیم یعنی دنبال ریب و شک و شبهه در دین نباشیم .

امام علی(ع) می فرماید: ای دنیا کسی را فریب بده که حيله های تو را نمی شناسد و از دامهای نیرنگ تو بی خبر است. (غررالحکم ۶۴۱۳)

پیامبر(ص) دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است. (کنز العمال ۶۰۸۱)

**قاتلان پیامبران، زنازاده اند:**

ماجرای حضرت یحیی بن زکریا(علی نبینا و آله و علیه السلام)، ماجرای سوزناکی است؛ چرا که آن نبیّ خدا، به خاطر هوا و هوس چند جفاکار ظالم به نحو خونباری به شهادت رسیدند. آن حضرت(ع) که به امر خداوند مأمور شده بود که در شهرها تبلیغ کند که از دواج با محارم حرام است، به دست پادشاه بنی اسرائیلی هوس بازی که می خواست با خواهرزاده ی خود از دواج کند، به قتل رسید. (جزائری، نعمت الله بن عبد الله، قصص الانبیاء، تهران، اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۵۶۶)

**نحوه ی کشته شدن حضرت یحیی(ع) شبیه به امام حسین(علیه السلام) است؛ هر چند که خانواده ی آن حضرت اسیر نشدند و شدت مصائب همچون مصائب کربلا نبود.**

آنچه که در روایات از قاتلان پیامبران روایت شده آن است که قاتلان انبیا همگی زنازاده و محصول گناه بوده اند. در روایتی به وضوح آمده است که امام صادق (ع) فرمودند: «قاتلان امام حسین(علیه السلام) و حضرت یحیی(ع) زنازاده بودند.» (ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ترجمه ذهنی تهرانی)

جهنم جایگاهی است که ویژه و مخصوص قاتلان آن پیغمبرزادگان گرامی است.

در روایات آمده است که وقتی سر خونین حضرت یحیی(ع) را در شهرها گرداند و در تشتی مقابل آن ستم پیشه گذاشتند، سر به سخن درآمد و آخرین موعظه ی خویش را خواند: «با تو هستم! از خدا بترس؛ این کار برای تو حلال نیست.» (برگرفته از امام صادق(ع) در تفسیر قمی - ابراهیم قمی) آنگاه قطره ای از خون رگ حضرت یحیی(ع) بر زمین ریخت و از آن نقطه، تا چندین سال بعد، خون می جوشید، به نحوی که بر

روی آن خاک می ریختند و خون از آن خاک ها بالا می آمد و آنقدر در آن نقطه خاک ریخته بودند که به صورت تپّه ای در آمده بود. (همان)

در روایات آمده است که مردم شهر آن پادشاه ظالم، به کشته شدن یحیی بن زکریا (ع) راضی بودند؛ بدین ترتیب، خداوند به دست بُخْتُ النَّصْر از همه ی مردم آن شهر انتقام سختی گرفت؛ به طرزى که یک نفر را در آن شهر زنده نگذاشت. () بیان این نکته نیز ضروری است که بخت النَّصْر از مخلوقات ظالم خداوند بود؛ قاتلان حضرت یحیی (ع) و شریکان خون آن حضرت نیز همگی ستمگر بودند. در سنت خداوند اینگونه است که گاهی اوقات ظالمی را بر دیگر ستمگران مسلط می کند و بدین ترتیب هر دو همدیگر را از بین می برند.

از ابو بصیر، از امام محمد باقر (ع) روایت است که فرمود: «خدای عز و جل از هیچ ظالم انتقام نکشیده، مگر به ظالمی دیگر. و این است معنی قول خدای عز و جل که فرموده: «وَ كَذَلِكَ نُؤَلِّى بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا» [الأنعام: ۱۲۹] و این گونه برخی از ستمکاران را به [کیفر] آنچه به دست می آوردند، سرپرست برخی دیگر می گردانیم.

ای انسان حُجُبها را بشناس قبل از اینکه تو را به تاریکی و ظلمت و کوری جهل فرو برند. ای انسان رنگ خدایی را بشناس قبل از اینکه شک و ریب و شبهه حاصله تو را با گروهکهای مخالف و کاذب و فرقه های ضالّه و عقاید باطل مأنوس سازند. آیا تا بحال دیده اید که در ظرفی آب و آتش با هم جمع شود پس برای آخرت فریب دنیا را نخور. امام علی (ع) می فرماید: دنیا اگر امتهایی را بفریبد چیزی به آنان نمی بخشد و همه تیر امیدشان به دنیا به سنگ بخورد.

مردی به نام «جمیل» سالیان دراز منشی دربار ساسانیان بود. او عصر علی (علیه السلام) را درک کرد و در ایام حکومت آن حضرت سخت فرسوده و پیر شده بود. موقعی که امیرالمومنین علی (علیه السلام) به نهر روان آمد و از حال جمیل پرسش فرمود: گفتند در قید حیات است. دستور داد احضارش کنند. وقتی شرفیاب شد، حضرت در اولین برخورد دید که هوش و حواس و ذهن پیرمرد سالم است و تنها چشم خود را از دست داده است. از او سؤال کرد: ای جمیل؛ شایسته است انسان چگونه باشد؟ جواب داد: باید دوستانش کم باشد و دشمنانش بسیار. فرمود: ای جمیل؛ سخن تازه و بی سابقه ای می گویی. همه مردم در این نظریه متفقند که داشتن دوست زیاد بهتر است. عرض کرد: مطلب آن طور نیست که گمان کرده اند و سپس توضیح داد که: دوستان زیاد وقتی به انجام حاجت (کار) آدمی دست می زنند آن طور که باید و شاید به انجام وظیفه قیام نمی کنند و نتیجه معکوس عاید می گردد. مثل آن که زیادی کشتی بان باعث غرق کشتی می شود. حضرت فرمود: این که می گویی صحیح است، چه آن که من آن را آزمایش کرده ام. پس از آن، حضرت فرمود: بسیاری دشمن چه فایده دارد؟ جواب داد: وقتی دشمنان انسان زیاد باشند، آدمی همواره مراقب کارهای خویشتن است، می کوشد تا سخنی نگوید که از وی خرده بگیرند، یا لغزشی از او بروز نکند تا مورد مواخذه واقع شود و بر اثر مراقبت ها و دقت های پی گیر برای همیشه از خطا و لغزش مصون خواهد ماند. علی (علیه السلام) گفته پیرمرد را پسندید و نیکو شمرد و مورد تأییدش قرار

## وَتَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ، وَأَوْفِرْ مَرِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ،

و با حسن کفایت خود امور ما را سرپرستی فرما و از رحمت وسیع خود سهمیه عطای ما را افزون گردان

شرح این فراز:

دنیا و رابطه آن با رحمت الهی:

ما خود را واگذار خدا می کنیم نه به غیر خدا و در این مرحله از خداوند تعالی عطای ماندگار و همیشگی از وسعت الهی می خواهیم. زاهد لباسش تقوی است و پرهیزگاری شیوه رفتاری اوست پس خود را به غیر از خدا نمی سپارد. وقتی انسان خود را به خدا واگذارد، هر بلا و گرفتاری و هر خوشی و ناخوشی در زندگی اختیاری او صورت می گیرد از جنبه الهی آزمودن بنده است و از جنبه حکمت الهی گشودن بابهای فرج برای کسی که به دامن الهی چنگ می زند. این آغاز توفیق و رسیدن رحمت الهی روز افزون به بنده است.

اگر رحمت خداوند تعالی را خواهید بدانید که:

- ۱- دنیا سرای کسی است که سرایی دیگر ندارد.
- ۲- دنیا سرای بی خردان است کسانی که مال جمع می کنند.
- ۳- دنیا سرای مخالفان و دشمنان است که از شناخت حق بی بهره اند.
- ۴- دنیا سرای حسودان است که به خدا اعتماد ندارند.
- ۵- دنیا سرای کسانی است که یقین ندارند.
- ۶- دنیا خانه ای دو در است که از یک در وارد می شوی و از در دیگر خارج می شوی.

خدای سبحان نیز به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: " و لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجنا منهم زهرة الحیوة الدنيا لنفتنهم فیه و رزق ربک خیر و أبقى" (طه ۱۳۱) به شکوفه هایی که در دست دیگران است و ما به آنان داده ایم چشم مدوز؛ زیرا ما می خواهیم آنان را با آن شکوفه ها بیازماییم؛ ولی رزق پروردگار تو بهتر ماندنی تر است. گاهی بین کلمات و تفهیم آن در بین مردم، تفسیر به رای می شود و واژگان درست معنای خود را پیدا نمی کند. گاهی انسان سوداگر است و ناروا خود را زاهد می پندارد ولی چون

طمع بهشت دارد در دنیا زاهد است. مانند مهمانی که در خانه خود کم می خورد تا بتواند در سفره مهمانی پر خوری کند. این زهد نیست بلکه فرومایگی روح و سوداگری مذموم است.

گاهی کسی دنیا را برای دنیا یا ستایش مردم ترک می نماید و خود را به این اوهام سرگرم می کند. چنین کسی سوداگر و به تعبیر محقق طوسی، فرومایه است. آثار آیت الله جوادی آملی - اوصاف الاشراف ص ۱۰)

گاهی کسی نیز از مظاهر دنیا می گذرد و زاهدانه زندگی می کند تا در آخرت به آتش جهنم نسوزد یا به بهشت برود، اگر چه که بهشت خوب است ولی درجه کمال انسانی نیست. اما زهد راستین آن است که انسان به غیر خدا بی رغبت (زاهد) و نسبت به خدا راغب باشد (زاهد) و جز خدا را برای خدا ترک کند آن خدایی که همه چیز است و در اعماق هستی انسان حضور و ظهور و بر آن احاطه دارد و همه هستی انسان را لذیذ و کامیاب می کند؛ لذتی که قابل وصف نیست. این زهد مطلوب اولیای الهی است، چنانکه امام سجاد (ع) در دل شب می فرمود: "این الزاهدون فی الدنيا این الراغبون فی الآخرة". (بحار الانوار ج ۴۶ ص ۷۶)

مؤمن دارای تلاش و کوشش است و نفع او برای جامعه فراوان است و بهره برداری شخصی خودش اندک.

"عثمان بن مظعون" تارک دنیا شد و روزها را روزه می گرفت و شبها را به عبادت می گذراند. همسر او نزد پیامبر (ص) شرف یاب شد و ایشان را از روش عثمان آگاه کرد؛ حضرت غضبناک شدند و حرکت کردند به گونه ای که کفش های خود را نپوشید و آنها را در دست گرفت و به سراغ عثمان آمد. عثمان در حال نماز بود و با مشاهده پیامبر (ص) دست از نماز کشید. حضرت به او فرمود: ای عثمان! خدا مرا به رهبانیت و ترک دنیا مبعوث نکرده است من را به دینی حق، مستقیم و آسان مبعوث کرد که سخت گیری نمی کند. من نیز نماز می خوانم و روزه می گیرم و با همسرانم معاشرت

دارم. پس آنان که فطرت و روش مرا می پسندند باید به سنت من عمل کنند و ازدواج و معاشرت با همسر از حمله سنت من است. (بحار الانوار ج ۲ ص ۲۶۴)

هرچه غوطه وری در دنیا و دلبستگی به آن مذموم است و انسان را از هدف آفرینش یعنی لقای حق باز می دارد، ولی ترک افراطی دنیا نیز مطلوب نیست و مانع رشد و تکامل انسان است. از بدعتهای زشت مسیحیان در زمینه ترک دنیا، تحریم ازدواج برای مردان و زنان و نیز توصیه به انزوا ی اجتماعی و پشت پا زدن به وظایف انسان در جامعه و نیز انتخاب صومعه ها و دیر های دور افتاده، برای عبادت و زندگی در محیطی دور از اجتماع بود، حال آن که انسان، موجودی اجتماعی است و تکامل معنوی و مادی او نیز در زندگی جمعی به دست می آید. از این رو هیچ یک از ادیان آسمانی این حقیقت را نفی نمی کند.

حضرت علی (ع) در ذیل آیات (ص ۱۰۳ و ۱۰۴) می فرماید: "هم الرهبان الذین حسبوا انفسهم فی السواری" (کنز العمال ج ۲۲) مصداق بارز آن رهبانان تارکان دنیابند که خود را در ارتفاعات کوه ها و در بیابان ها محبوس کردند و گمان دارند که کار خوبی کردند.

باید ارزشهای دنیا شناخته شود، باید به وظایف فردی و اسلامی آشنا باشیم، باید دل را به صفای روح و بی رغبتی دنیا عادت دهیم و بدانیم که صفای روح در شناخت خود و خدا است" من عرف نفسه فقد عرف ربه" اولیائی الهی دل به معشوق سپرده اند تا در حین نبودن، ماندنی باشند زیرا در زندگی دنیا بی در بر داشتن قدمها خطا ندارند و همواره خود را در میزان اعمال به سنجش وامیدارند. دنیا را سراب و زایل شدنی می دانند. پیامبر(ص) روی زمین با تواضع همچون بردگان می نشست و غذا می خورد و با دست مبارک کفش و لباسش را وصله می کرد و بر مرکب برهنه سوار می شد حتی گاهی فرد دیگری را پشت سرش سوار می کرد. حتی وقتی در اتاقش بود و پرده ای در مقابلش به نقش و نگار مزین بود به همسرش می گفت: آن را از نظر پنهان دار که هر گاه به آن می نگرم دنیا و زیورهای دنیا را به یاد می آورم. پیامبر از زرق و برق دنیا دوری می جست و یاد آن را در وجودش می میراند زیرا دنیا را پایدار نمی دانست پس آن را از خود برون کردو دل از آن برداشت و دیده از آن فرو بست. و یا اینکه وصی برحق رسول گرامی اسلام (ص) "حضرت علی (ع) در مصرف بیت المال بسیار دقیق بودند و همه مستحقان را فرا می خواند و از آنجا خارج نمیشد تا همه اموال را بین نیازمندان و مستحقان تقسیم می کرد و آنگاه آنجا را جاروب می کرد و نیز دو رکعت نماز خوانده، می فرمود: ای دنیا! خود را به من عرضه مکن و مرا به شوق نیاور که تو را سه طلاقه کردم و برگشتی در آن نیست( بحار ج ۴۱ ص ۱۰۳- همان)

## وَأَحْمِلُ صِلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ، وَاعْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ

و جایزه‌های ما را از سرچشمه پرفیض مواهبت نیکو گردان و بنشان در دل‌های ما درخت‌های

## مَحَبَّتِكَ، وَاتِّمِّمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ، وَادْفِنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَوَلَدَةَ

محبتت را و کامل گردان بر ما انوار درخشنده معرفتت را و بچشان به ما شیرینی عفو و لذت

## مَغْفِرَتِكَ، وَافْرِزْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَيْتِكَ، وَآخِرْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ

آمرزشت را و دیدگانمان را در روز قیامت به مشاهده جمالت روشن کن و دوستی دنیا را از دل‌های ما

## قُلُوبِنَا، كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ، وَالْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ،

بیرون کن چنانچه درباره برگزیدگان و نیکان از خواص درگاہت چنین کردی

## بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

به رحمتت ای مهربانترین مهربانان و ای کریم‌ترین کریمان

شرح این فراز:

رحمت و فیض الهی:

رحمت و فیض الهی و برخورداری از مواهب الهی بر آن کس است که از گناه بترسد و همواره توبه را شیوه خود گرداند و به عمل صحیح روی آورد و از گناه دوری کند و نیز به کار خیر و کمک به مردم توجه داشته باشد.

رحمت و فیض الهی نصیب کسانی است که در ظاهر و باطنشان شاخه های توحیدی روئیده باشد و دوستی انبیاء و اولیاء سیره اعتقادی و رفتاری و عملی آنها باشد (شجره طیبه).

رحمت و فیض الهی شامل کسانی است که دائماً در نمازند یعنی ایستاده، نشسته، بیدار، خفته، پیوسته در ذکر و نمازند و از یاد خدا غافل نمی مانند. حلال خدا را می شناسند و از حرام او دوری می کنند. شیاطین را می شناسند و آنان را از تسلط بر خود دور می نمایند. منافق و کفار و تکفیر را می شناسند و پیوسته خود را به جهاد با آنها عادت می دهند. از تاریکیها فرار می کنند و از جلوه روشنایی نور خورشید (ایمه(ع)) بهره مند می شوند. این انوار قدسیه الهی است که در روح و روان بشر اثر می گذارد و در معرفت شناسی بنده تجلی می کند و آنگاه بنده را قدرت می دهد که در برابر انگیزه های قدرت طلبانه شوق و غریب بایستند.

رحمت و فیض الهی شامل کسانی است که آتش شهوتها را با ریختن آب توبه خاموش کنند و ظرفهای نادانی را با آب زلال زندگی بشویند.

رحمت و فیض شامل دوستداران مناجات الهی است آنان که سهل انگار در نماز نیستند و آنان که احکام نماز را در وقت و قرائت صحیح، ضایع نمی کنند. آنان که فرائض الهی را در واجبات و مستحبات اهمیت می دهند و از نماز شب که اخلاص در عمل را یادآوری می کند غافل نمی مانند.

رحمت و فیض الهی شامل کسانی است که به علم و دانش اهمیت می دهند، و از قلّه های ترقی علوم دینی (کشف الشهود و غیره...) فضایی، فنی و تکنولوژی وووو..... بلا می روند و دنیا را بهره می دهند. اما هر آنچه که گفته شد باید در پرتو نور درخشان توحید و نبوت و امامت باشد که اگر اینگونه نباشد زنگارهای نادانی راه پیشرفت را بر همگان می بندند.

انسانی که فطرتاً عاشق خداست و کارهای پسندیده را در دنیا برای رسیدن به رضایت الهی انجام می دهد و امیدوار است که در قیامت خدا را با چشم دل ببیند باید دل کردن از دنیا را که موهبت الهی (دنیا فقط مزرعه آخرت باشد) است از او بخواهد تا شیوه صالحین و مخلصین عادت او گردد. ای مهربانترین مهربانان.

به حول و قوه الهی شرح پانزده مناجات عرفانی و معرفتی که از سینه امام سجاد(ع) برخاسته بود به پایان رسید. ولی افسوس که قلم قاصر در برابر این چینش زیبا و جاودان درست عمل



نکرد ، فقط یک آرزو دارم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که نظاره گر اعمال ماست آنرا قبول کرده و به پیشگاه خداوند تعالی عرضه نمایند تا شاید شفاعتی باشد برای گذران عمر و فرارسیدن روز قیامت.

والسّلام علی من اتبع الهدی

فاطمه پورشفیع (کارشناس ارشد علوم قران و حدیث) ۱۳۹۵/۱۰

## منابع:

- ۱- محمد ری شهری - میزان الحکمة - چاپ دارالحدیث
- ۲- علامه سید مرتضی عسکری- عقاید اسلام در قرآن کریم- سه جلد
- ۳- علامه محمد باقر مجلسی - عین الحیات - انتشارات آل طه
- ۴- محمد مهدی ری شهری- گزیده دانش نامه امیرالمؤمنین- چاپ دارالحدیث
- ۵ - محسن قرائتی- دقایقی با قرآن - ناشر مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن
- ۶ - استاد محمد تقی مصباح یزدی - اخلاق در قرآن - مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی(ره)
- ۷ - جوادی آملی - اسرار عبارات - انتشارات الزهراء
- ۸ - استاد جعفر سبحانی- آیین و هابیت- دفتر انتشارات اسلامی
- ۹ - ایت الله مصباح یزدی- معارف قرآن - انتشارات اسلامی
- ۱۰ - شیخ حر عاملی- جهاد با نفس- چاپ عصر دانش
- ۱۱ - امام خمینی(ره) - شرح حدیث جنود عقل و جهل- مؤسسه نشر آثار امام
- ۱۲ - محمد ری شهری - نهج البلاغه- چاپ دارالحدیث
- ۱۳ - عبدالحسین دستغیب - یقین-
- ۱۴ - سید علی قریشی - فرهنگ قاموس قرآن
- ۱۵ - احمد سیاح - فرهنگ بزرگ جامع نوین - ترجمه المنجد- انتشارات اسلام
- ۱۶ - علامه سید شریف رضی - نهج البلاغه- ترجمه حسین استاد ولی
- ۱۷ - استفاده از حوزه نت برای تحقیق و مطالعه - پایان نامه ارشد اجتهاد بر نص و مقالات نوشته شده در باره موضوعات دینی و فرهنگی و اجتماعی توسط فاطمه پورشفیعی-

